

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**د مولانا سعید افغانی د سولی او تفاهم، نشراتی ارگان**

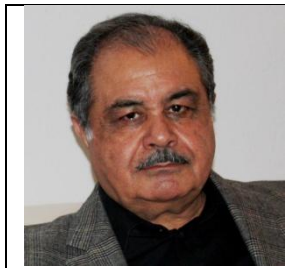
[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org)

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگی و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

**د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!**



## داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر : 18 نوامبر 2015 م

# زبان دری از گفتار تا نوشتار

## بخش دوازدهم

### تنقید :

تنقید مصدر جعلی است که فاعل آن را هم منقد ، با قاف شد دار ساخته اند. در عربی هم این واژه نبوده نیست. بهتر است از کاربرد آن پرهیز شود و به جای آن انتقاد و منتقد یا نقد و ناقد را به کار ببرند.

### توشک دوشک :

توشک و دوشک هر دو از دولهجة ترکی است ، ازدوشه ماق یا توشه ماق ، هموار کردن . پس هر دو صورت آن به کار برده شده می توانند. مگر به خاطر باید داشت که توشک در زبان گفتاری امروزی جاری است و در نگارش نیز ترجیح دارد. از دیگر گونه های املائی مانند : تشک و دسک خودداری بهتر است.

### دگمه و تکمه :

دگمه از دگماق ترکی به معنای گره زدن آمده است . در باستان زمانه دو تاری را در گریبان جامه می دوختند و گاه ضرورت به بستن گریبان آن را گره می زدند و آن دگمه یعنی گره خوردنی بود. تکمه از تکماق یعنی دوختن و چیزی که دوخته می شود، آن همه دایره گکها یا فلز، پلاستیک یا استخوان است که بریک لبه یخن جامه می دوزند و بر لبه دیگر آن کاج یا حلقه یی می نشانند. دگمه اکنون کمابیش از میان رفته است و هرچه هست تکمه است.

### اقشار :

واژه اقشار به معنای جمع قشر از ساخته های سالهای پسین است . جمع این واژه در عربی قشور است و در زبان دری همان بهتر که به جای جمع مکسر عربی گونه اقشار واژه قشرها را به کار ببریم.

### آولاد و چند جمع دیگر :

آولاد را هم مفرد پذیرفته اند و می گویند : او چند اولاد دارد؟ یعنی چند فرزند ندارد. و گاهی که می خواهند از فرزندان بپرسند ، می گویند : اولادها خوب استند؟ حال آن که اولاد جمع ولد به معنای

فرزندان است و واژه اولادها جمع جمع و نادرست است.  
از همین شمار جمع جمعها اند: حبوبات = حب ، حبوب ، حبوبات و جواهرات = جوهر، جواهر ،  
جواهرات و عجایبات = عجب ، عجایب ، عجایبات ، فتوحات = فتح ، فتوح ، فتوحات و احوالات  
= حال ، احوال ، احوالات و امورات = امر ، امور ، امورات و عملیاتها = عملیه ، عملیات ، عملیاتها.  
**آسهام :**

برای جمع بستن واژه سهم اسهام را ساخته اند که در عربی چنین واژه بی نبوده و نیست. گاهی به  
جای جمع سهم „Emoticon-“ smile بهره یی از دارایی ( سهم را به کار می برند، مانند : شرکت  
سهامی . بهتری نماید که برای دوری از خطا سهم یا سهمها گفته و نوشته شود.  
**ماجرای مذکر و مونث در زبان دری:**

در دستور زبان دری خلاف زبان عربی تذکیر و تانیث یا مذکر و مونث نیست ، زیرا که در زبان دری  
اسمها به مذکر و مونث تقسیم نمی شوند ، مگر همیشه بنابر کاربرد اسم های عربی دچار دشواری  
می شویم. و از آن رو به نوشته های خلاف سرشت زبان دری برمی خوریم ، مانند: محترمه مدیره  
صاحبه و محترم مدیر صاحب. یا وزیره صاحبه . خوشبختانه هنوز تا والیه یعنی مونث والی و  
تایسته مونث تایست نگذشته ایم .

متعلمین و محصلین را تقسیم کرده ایم به : متعلم و متعلمه . جمع متعلم را متعلمین می نویسیم و جمع  
متعلمه را متعلمات و جمع هردو را متعلمان . همچنان محصل را به محصلین و محصلات تقسیم کرده  
ایم که جمع هر دو دسته گویا محصلان می شود.  
همان گونه معلمین را هم تحت همان قاعده بی قاعدگی آورده به معلمین و معلمات بخش کرده ایم.  
قاعده بی قاعدگی برای آن که در کتب دستور زبان دری این مسأله جایی ندارد. برای فرار از این  
مشکل گریبان گیر زبان ، نخست ، از واژه های غیر عربی می توان کمک گرفت ، یعنی از دانش آموز  
، دانشجو ، شاگرد ، آموزگار و ماندهای آن .

دوم ، همانطور که می نویسیم عبدالله خان مدیر مکتب ، می توانیم بنویسم کریمه جان مدیر مکتب.  
ورودکی شاعر زبان دری و رابعه شاعر زبان دری با زنان و مردان یک گونه باید سخن داشت.  
در اداره ها و مکتبها نوکر زن را خدمه می نامند . خدمه در عربی ریسمان کمرشتران را می گویند.  
مونث خادمه است و نه خدمه . مشکل از آن جا برخاسته که مرد خدمتگار را چپراسی می گویند.  
چپراسی در هندوستان پاسبان و پیام رسان را می نامند که ما از آن جا گرفته ایم و به گمان این که  
چپراسی مرد می باشد پس برای زنان خدمتگار نام دیگری باید جست و همان است که واژه خدمه  
در کاربرد افتاده است. بسیار آسان است که زن و مرد خدمتگار نامیده شوند در انگلیسی چپراسی را  
Peon می گویند و بر مرد وزن اطلاق می شود. برای تشخیص جنس اگر ضرور بود مرد خدمتگار وزن  
خدمتگار و خدمتگار زنان و خدمتگار مردان گفته و نوشته شود. نمی باید که از عربی یا اردو کمک  
بگیریم.

### **نوین :**

در زبان دری با چسپاندن « ین » به پای اسمها صفتهای نسبتی می سازند ، مانند : از سیم سیمین ،  
از زر زرین ، از چوب چوبین ، از نوش نوشین ، از دروغ دروغین ، از راست راستین ، از رنگ رنگین  
و از ننگ ننگین و از سنگ سنگین ، مگر نو خود صفت است و چسپاندن « ین » با آن نادرست  
است.

همچنان از واژه پای صفت نسبتی پایین را ساخته اند که در نوشتن آن همزه جایی ندارد ، یعنی نباید  
« پائین » با همزه نوشت.

ادامه دارد

داکتر اسدالله « حبیب »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) بازگشت به صفحه اصلی